



سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate

مدل کسب و کار و تأمین مالی طرح نوسازی شبکه‌های فرسوده برق



سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مدل کسب‌وکار و تأمین مالی طرح نوسازی شبکه‌های فرسوده برق

تدوین: معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی سندیکای صنعت برق ایران

پدیدآورندگان: علیرضا اسدی، مهناز علی‌آبادی

تاریخ: مهرماه ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- مقدمه

یکی از مسائل عمده در رابطه با بهره‌برداری از تأسیسات، مسئله عمر تجهیزات و کاهش تدریجی قابلیت اطمینان اجزا آن به علل تأثیر عوامل درونی سیستم و عوامل برونی می‌باشد. تأثیرات این عوامل به صورت افت مشخصات مکانیکی و الکتریکی بروز می‌نمایند. در خصوص شبکه برق ایران با لحاظ نمودن عمر مفید تجهیزات شبکه، زمان مناسب بهره‌برداری شبکه سال‌هاست که سپری شده است و شبکه مستلزم نوسازی است. این به تعویق انداختن ترمیم و نوسازی قطعات و تجهیزات شبکه انتقال و توزیع برق، هزینه‌های جانبی متعددی را به بهره‌برداران تحمیل نموده و منجر به ناپایداری و افت کیفیت شبکه شده است. یکی از دلایل اجرایی نشدن پروژه‌های نوسازی شبکه، مشکلات تأمین مالی طرح‌های و فراهم آوردن اعتبار موردنیاز است. چراکه این طرح‌ها معمولاً فاقد درآمدزایی مستقیم هستند و خود پروژه نمی‌توانند هزینه‌های خود را متقبل شوند (از نظر گردش مالی مولد محسوب نمی‌شوند) و همچنین به این دلیل آنکه حجم سرمایه‌گذاری موردنیاز برای پرداخت هزینه‌های تأمین تجهیزات و اجرای قراردادهای پیمانکاری و هزینه‌های مشاوره بزرگ بوده، به سهولت نمی‌توان منابع آن را فراهم نمود.

در این گزارش تلاش شده است راهکارهایی برای تأمین مالی موردنیاز این طرح‌ها تدوین شود. در ادامه، ابزارهای مالی قابل استفاده در این طرح‌ها نیز بررسی شده است. چراکه نقدینگی حاصل از برخی این استراتژی‌ها، با وقفه زمانی حاصل خواهد شد و نیاز است که در این فاصله از منابع موجود در بازارهای مالی استفاده نمود.

۲- بیان مسئله

در شرایط فعلی بخشی از شبکه برق کشور دچار فرسودگی است و نیاز به نوسازی دارد و این بازسازی و ترمیم، مستلزم سازمان‌دهی پروژه‌ها به نحوی است که با شرایط اقتصادی موجود و متکی به دارایی‌های صنعت برق قابل اجرا باشد. برای اجرای این پروژه‌ها علاوه بر دانش فنی و مهندسی موردنیاز طرح‌های صنعت برق، نیازمند مدل‌های کسب‌وکار و مالی است که به نحو خوداتکا بتواند منابع مالی لازم را فراهم سازد. از طرف دیگر پروژه‌های مذکور به دلیل آن از نظر مالی معمولاً مولد نیستند و منافع آن‌ها به صورت جمعی و به صورت افزایش کیفیت، کاهش خرابی و قطعی شبکه و کاهش هزینه‌های آتی و پیش‌بینی نشده می‌باشد، مدل مالی آن‌ها نمی‌تواند از طریق مدل‌های سرمایه‌گذاری انتفاعی و یا در قالب مشارکت عمومی-خصوصی^۱ به شکلی که در پروژه‌های مولد اقتصادی رایج است، انجام شود. بخصوص که این نوسازی‌ها در شبکه‌های انتقال و توزیع برق است که از نظر مالکیتی و حقوقی نیز با محدودیت‌هایی برای مشارکت بخش خصوصی مواجه است.

^۱ Public-Private Partnership

بدیهی است هزینه بالای نوسازی شبکه از یک سو و عام‌المنفعه بودن آن به‌عنوان یک طرح ملی، موضوع اهمیت طراحی و تدوین مدل تأمین منابع مالی موردنیاز را آشکار خواهد ساخت. چراکه تا زمانی که محل تأمین نقدینگی موردنیاز پروژه‌ها برای سفارش ساخت و یا واردات تجهیزات و قطعات و پرداخت بابت خدمات فنی و مهندسی ارائه‌شده مشخص نشود، اجرای آن امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر بودجه عمومی متعلقه به وزارت نیرو نیز تکافوی پرداخت هزینه‌های مترتب را نخواهد داشت.

همچنین همان‌طور که پیش‌ازاین نیز در گزارشات مربوطه منعکس شده است، صنعت برق دچار یک چرخه معیوب اقتصادی است بطوریکه قیمت‌گذاری نادرست منجر به عدم توازن درآمدها و هزینه‌گردیده و نتیجه این عدم توازن، کسری بودجه دولت و انباشت بدهی است که در اثر آن روند سرمایه‌گذاری در صنعت برق از سال ۱۳۸۷ نزولی شده و منابع کافی برای توسعه زیرساخت‌های شبکه‌ای کاهش یافته است.^۲

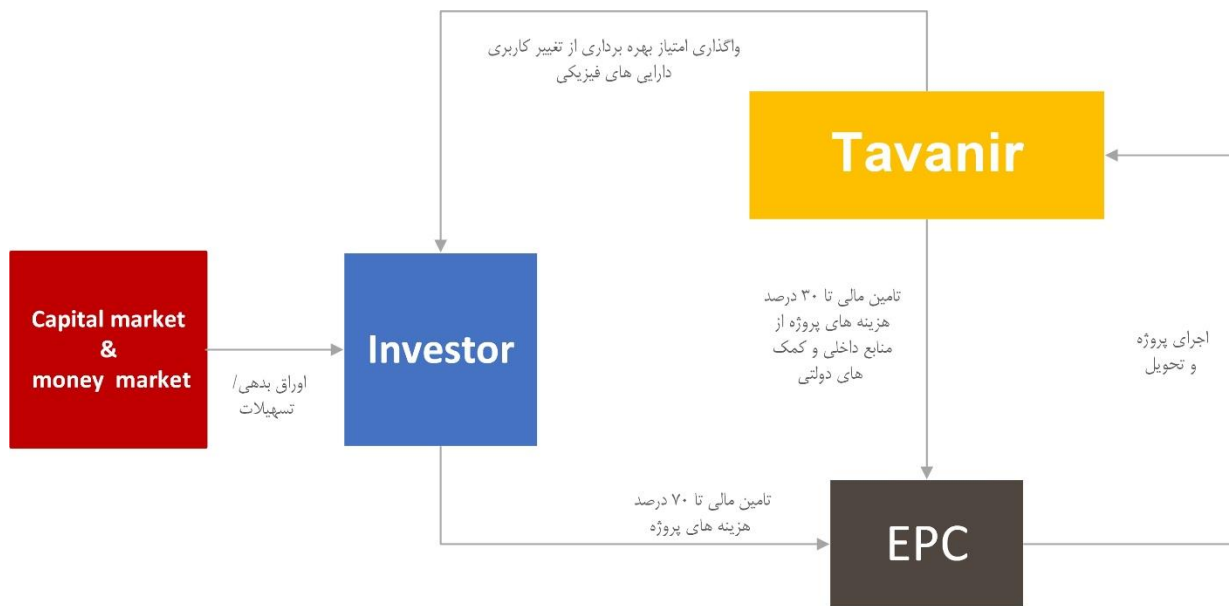
بنابراین برای طراحی مدل لازم است جریان‌های مالی این طرح‌ها بررسی شود و سپس استراتژی‌های تأمین نقدینگی موردنیاز بهره‌بردار (شرکت توانیر) جهت هزینه‌کرد و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نوسازی ارائه گردد. در ادامه مدل پیشنهادی سندیکای صنعت برق ایران ارائه شده است.

^۲ گزارش انتظارات صنعت برق از مجلس یازدهم، سندیکای صنعت برق ایران

۳- مدل کسب‌وکار و استراتژی تأمین مالی طرح

اجرای این طرح‌ها مبتنی بر سه رکن اصلی است؛ «کارفرما» که شامل شرکت توانیر و شرکت‌های توزیع نیروی برق می‌باشند (بخش بهره‌بردار طرح که دولتی / عمومی می‌باشند)؛ «مجری / شرکت EPC» که وظیفه طراحی، تأمین تجهیزات، اجرا و نصب (به صورت EPC^۳) را برعهده دارد که انتظار می‌رود به صورت کنسرسیوم در این طرح شرکت نماید و «سرمایه‌گذار» که مسئولیت تأمین مالی پروژه را بر عهده دارد.

از آنجاکه پروژه‌های نوسازی شبکه از نظر مالی مولد یا درآمدزا محسوب نمی‌شوند، تأمین مالی آن‌ها از درآمدهای آینده طرح‌ها ممکن نیست، بنابراین تأمین مالی این پروژه‌ها متکی به منابع خارج از پروژه می‌باشد؛ بنابراین مدل کسب‌وکار و جریان مالی طرح به این صورت است که تأمین هزینه‌های انجام پروژه از دو محل صورت می‌پذیرد (تصویر ۱):



شکل ۱- مدل کسب‌وکار و تأمین مالی نوسازی شبکه فرسوده

^۳ Engineering Procurement Construction

الف) توسط کارفرما از محل منابع داخلی صنعت برق:

انتظار می‌رود کارفرما از محل منابع داخلی بتواند تا ۳۰ درصد هزینه‌های انجام پروژه را به‌صورت زیر تأمین مالی کند. این منابع شامل این موارد می‌گردد:

- تخصیص بخشی از دارایی‌های جاری (درآمدهای عملیاتی) وزارت نیرو؛
- تخصیص بخشی از درآمدهای حاصل از صادرات انرژی برق
- بودجه عمومی

ب) توسط سرمایه‌گذار از محل عواید حاصل از دریافت «امتیاز بهره‌برداری از تغییر کاربری دارایی‌های فیزیکی» متعلق به کارفرما:

با توجه به اینکه شرکت‌های تابع وزارت نیرو مجموعه‌ای از دارایی‌های فیزیکی به‌صورت زمین و مستغلات دارا می‌باشند که در حال حاضر امکان بهره‌برداری و ایجاد جریان مالی نمی‌باشند، این امکان وجود دارد که کاربری آن‌ها تغییر یابد (و یا بهبود کارایی) و امتیاز بهره‌برداری از این دارایی‌ها، به‌صورت یکجا برای یک دوره بلندمدت به سرمایه‌گذار واگذار شود و سرمایه‌گذار در ازای بهره‌برداری از این دارایی‌های برای یک دوره بلندمدت، تأمین مالی پروژه را تا سقف حدود ۷۰ درصد برعهده گیرد.

در حال حاضر شرکت توانیر دارای املاک و مستغلاتی است که به دلیل افزایش بهای ملک در سال‌های اخیر به‌ویژه در مناطق شهری و کلان‌شهرها، از ارزش ریالی بالایی برخوردار است. این ارزش بالا، باعث می‌شود که هزینه فرصت نگهداری از این اموال بالا رفته و نیازمند آن باشد که مقوله کارایی آن‌ها مورد بازنگری قرار گیرد و چنانچه درآمدهای ایجاد کمی‌تر از هزینه فرصت نگهداری از آن‌ها بود، لازم است که در خصوص واگذاری یا اجاره آن‌ها تجدیدنظر شود. با توجه به آنکه فروش و واگذاری اموال دولتی مستلزم رعایت ضوابط و مقررات مربوطه است، در قدم اول لازم است که مبانی و مقررات فروش این اموال بررسی گردد^۴. با توجه به محدودیت‌های قانون و دشواری در فروش و واگذاری اموال دولتی و اینکه وجوه دریافتی از فروش این اموال باید به‌عنوان درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل واریز گردد، می‌توان به‌جای فروش از راهکار اجاره بلندمدت و انتقال موقت حق بهره‌برداری اموال غیرمنقول استفاده نمود. با این راهکار می‌توان جریان نقدینگی پایداری برای تأمین مالی طرح‌های نوسازی شبکه فرسوده ایجاد نمود. برای درآمدزایی از این مکان‌ها، بدواً لازم است که اموال قابل اجاره دادن مشخص شده و سپس با ارزیابی ارزش تهرینی هر یک، مقدمات مربوط به اجاره را فراهم نمود.

^۴ (مبانی و مقررات فروش اموال دولتی در پیوست شماره ۱ آورده شده است).

برای بهبود کارایی دارایی‌های فیزیکی می‌توان از راهکارهایی از جمله انتقال تجهیزات مستقر در پست‌ها، به زیرزمین و سپس استفاده از فضای آزاد ایجاد شده اشاره نمود. در این شیوه لازم است که ابتدا هزینه تغییر تجهیزات و انتقال آن به زیرزمین را محاسبه و برآورد نمود. این هزینه نیز باید از محل درآمدهای آتی بهره‌برداری از محل تأمین گردد. در خصوص بهره‌برداری از این اموال می‌توان از شیوه‌های مشارکتی مانند مشارکت با شهرداری‌ها جهت احداث پارکینگ‌های طبقاتی و مکانیزه و احداث فضاهای فرهنگی و تفریحی استفاده نمود و یا با ساخت املاک تجاری و اداری، به صورت مشارکتی با بخش خصوصی، از انتفاع بهره‌برداری بلندمدت از این مکان‌ها استفاده نمود.

برای انتخاب بین بهترین گزینه‌های مشارکتی، ابتدا املاک و اموال مربوطه شناسایی شده، هزینه‌های تغییر کارایی برآورد می‌گردد سپس با برگزاری مزایده، پیشنهادات مشارکتی جمع می‌گردد. بهترین پیشنهاد که در آن علاوه بر منافع شرکت توانیر، ضوابط و محدودیت‌های قانونی نیز اعمال شده باشد، برگزیده شده و نقدینگی حاصل در پرداخت به طرح‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- ابزارهای مالی تأمین نقدینگی

با توجه به اینکه جریان ورودی و خروجی نقدینگی مورد نیاز طرح و عواید حاصل از سرمایه‌گذاری از نظر زمانی یکسان نمی‌باشند لازم است که سرمایه‌گذار از محل منابع داخلی خود و یا منابع موجود در بازارهای مالی برای تأمین نقدینگی مورد نیاز پروژه‌ها استفاده نمایند. در این روش سرمایه‌گذار، نقدینگی لازم را مطابق با مبالغ مندرج در قرارداد فی‌مابین خود و بر اساس هزینه‌های پروژه در اختیار شرکت مجری قرار می‌دهند. سرمایه‌گذار نقدینگی مورد نیاز را از ابزارهای بازار پول (نظام بانکی) و یا بازار سرمایه (اوراق) تأمین می‌نماید. سپس از محل بهره‌برداری امتیاز دارایی‌های فیزیکی اصل و فرع مبالغ دریافتی را بازپرداخت می‌کند. با توجه به شرایط پروژه ابزارهای بازار پول و سرمایه که قابل استفاده خواهند بود به شرح زیر پیش‌بینی می‌شوند:

الف) ابزارهای بازارهای پولی:

بازارهای پولی متشکل از شبکه بانکی کشور و مؤسسات اعتباری است که با پرداخت تسهیلات و قبول تعهدات، می‌توانند به تأمین نقدینگی مورد نیاز در اجرای پروژه کمک نمایند. منابع موجود در این بازارها اغلب از محل سپرده‌های مردمی بوده و تسهیلات پرداختی در این بازار، کوتاه‌مدت است. تسهیلات شبکه بانکی، بر اساس قانون بانکداری بدون ربا و بر اساس عقود اسلامی به متقاضی پرداخت می‌گردد. لذا شرح دقیقی از نحوه مصرف تسهیلات و نظارت بر حسن اجرای پروژه‌ها از وظایف تسهیلات دهنده است تا احتمال نکول و ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات را تا حد ممکن کاهش دهد. از جمله تسهیلات قابل استفاده در پروژه‌های نوسازی شبکه برق کشور که با توجه به ماهیت این پروژه‌ها قابل تخصیص هستند، به شرح زیر است:

— تسهیلات استصناع

– اوراق گام

– تسهیلات مرابحه

ب) ابزارهای بازار سرمایه

بازار سرمایه در سال‌های اخیر رشد قابل‌توجهی داشته است و نقدینگی آن به‌طور فزاینده افزایش یافته است. در این بازار می‌توان از ابزارهای مالی که بر پایه بدهی هستند و یا مدیریت ریسک مانند موارد زیر را استفاده شود:

– اوراق یا صکوک

– ابزارهای مدیریت ریسک و تسهیم مناسب مخاطرات از جمله اوراق مشتقه

– ابزارهای سرمایه‌ای مانند تأسیس صندوق پروژه و صندوق‌های خصوصی

در کاربرد هر یک از این اوراق و ابزارها لازم است ابتدا در گزارشی مشروح و مستقل، نوع عقود هر یک از صکوک پیشنهادی و ابزارهای قابل‌استفاده و ضوابط قانونی و دستورالعمل‌های مربوطه گردآوری و سپس مزایا و معایب هر یک از آن‌ها بررسی شود. با توجه به موانع اجرایی هر یک، ضروری است راهکارهای پیاده‌سازی آن‌ها در طرح‌های نوسازی شبکه فرسوده شناسایی شده و چنانچه این موانع مستلزم اخذ مجوز و یا تغییراتی در دستورالعمل‌ها باشد، ارکان ذی‌ربط را با ارائه طرح توجیهی مجاب نمود. در ادامه روش‌های انگیزشی برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌های تأمین سرمایه و ضامنین را با استفاده از راهکارهای نوآورانه طراحی نمود تا بتوان به نحو شایسته‌ای از پتانسیل‌های بازار سرمایه در تأمین مالی طرح‌ها استفاده کرد.

۵- جمع‌بندی

در شرایط فعلی بخشی از شبکه برق کشور دچار فرسودگی است و نیاز به نوسازی دارد و این بازسازی و ترمیم، مستلزم سازمان‌دهی پروژه‌ها به نحوی است که با شرایط اقتصادی موجود و متکی به دارایی‌های صنعت برق قابل‌اجرا باشد. از آنجاکه این پروژه‌های از نظر مالی معمولاً مولد نیستند و منافع آن‌ها به صورت جمعی و به صورت افزایش کیفیت، کاهش خرابی و قطعی شبکه و کاهش هزینه‌های آتی و پیش‌بینی‌نشده می‌باشد، مدل مالی آن‌ها نمی‌تواند از طریق مدل‌های سرمایه‌گذاری انتفاعی و یا در قالب مشارکت عمومی- خصوصی به شکلی که در پروژه‌های مولد اقتصادی رایج است، انجام شود. در مدل پیشنهادی که مبتنی بر سه رکن «کارفرما/توانیر»، «مجری» و «سرمایه‌گذار» است، مدل کسب‌وکار و جریان مالی طرح به نحوی است که تأمین هزینه‌های انجام پروژه از دو محل صورت می‌پذیرد: (الف) تا ۳۰ درصد هزینه‌های انجام پروژه توسط کارفرما از محل منابع داخلی صنعت برق از جمله تخصیص بخشی از دارایی‌های جاری و درآمدهای عملیاتی وزارت نیرو شامل تخصیص بخشی از درآمدهای حاصل از صادرات انرژی برق و بودجه عمومی و (ب) تا ۷۰ درصد هزینه‌های انجام پروژه توسط سرمایه‌گذار از محل «عواید حاصل از دریافت امتیاز بهره‌برداری از تغییر یا بهبود کاربری دارایی‌های فیزیکی (زمین و مستغلات متعلق به کارفرما).

با توجه به اینکه جریان ورودی و خروجی نقدینگی موردنیاز طرح و عواید حاصل از سرمایه‌گذاری از نظر زمانی یکسان نمی‌باشند لازم است که سرمایه‌گذار برای تأمین نقدینگی موردنیاز پروژه‌ها از محل منابع داخلی خود و یا منابع موجود در بازارهای مالی مانند (تسهیلات استصناع، اوراق گام، مرابحه، اوراق بدهی یا صکوک) استفاده نمایند.

سندیکای صنعت برق با توجه به جایگاهی که به عنوان یک نهاد واسط بخش خصوصی و دولت در این صنعت دارد می‌تواند نقش تسهیل‌گری را در اجرای هرچه موفق‌تر پروژه‌های نوسازی شبکه‌های فرسوده برق بر عهده بگیرد و با شرکت در کارگروه‌هایی متشکل از کارشناسان مالی سندیکا و شرکت توانیر، کاربرد ابزارهای مالی را شناسایی نموده و نوع عقود صکوک پیشنهادی و ابزارهای قابل استفاده و ضوابط قانونی و دستورالعمل‌های مربوطه را گردآوری نماید و سپس مزایا و معایب هر یک از آن‌ها را بررسی کند. همچنین راهکارهای پیاده‌سازی این ایده‌ها را در طرح‌های نوسازی شبکه فرسوده شناسایی نموده و چنانچه این موانع مستلزم اخذ مجوز و یا تغییراتی در دستورالعمل‌ها باشد، برای مجاب نمودن ارکان ذی‌ربط و ارائه طرح توجیهی با توانیر همکاری نماید. همچنین با توجه به شناخت بالایی که از شرکت‌های عضو و توانمندی‌های هر یک دارد، شرکای مناسبی را برای اجرای طرح‌های نوسازی از میان شرکت‌های عضو انتخاب نموده و بستر ایجاد همکاری بین شرکت‌های بخش خصوصی و تشکیل کنسرسیوم را نیز فراهم نماید.

پیوست‌ها

پیوست ۱ - مبانی و مقررات فروش اموال دولتی

در خصوص ضوابط و شرایط معاملات دولتی با توجه به حساسیت و اهمیت حفاظت و حراست از بیت‌المال در شرع مقدس اسلام و در قوانین به کرات مورد اشاره قانون گذار قرار گرفته که اهم این قوانین بیان می‌گردد.

۱- قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶/۰۶/۰۱

این قانون به‌عنوان مبنا و منشور ضوابط اموال دولتی شناخته می‌شود و مبنای دیگر مصوبات مرتبط با این مبحث نیز قانون محاسبات عمومی می‌باشد. قانون گذار در فصل پنجم این قانون در مواد ۱۰۶ تا ۱۲۲ به اموال دولتی پرداخته است و پس از برشمردن شرایطی که برای جابجایی اموال دولتی در داخل سازمان‌های دولتی لازم است در ماده ۱۱۲ به فروش اموال منقول اشاره داشته و بیان می‌کند: فروش اموال منقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که اسقاط شده و یا مازاد بر نیاز تشخیص داده می‌شود و مورد نیاز سایر وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی نباشد، با اطلاع قبلی وزارت امور اقتصادی و دارایی و اجازه بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی‌ربط با رعایت مقررات مربوط به معاملات دولتی مجاز می‌باشد. وجوه حاصل از فروش این قبیل اموال باید به حساب درآمد عمومی واریز شود.

در ادامه قانون گذار به بحث فروش اموال غیرمنقول دولتی پرداخته و ضوابطی را در این خصوص تعیین نموده است که اهم آن پیشنهاد وزیر مربوطه و تصویب هیأت وزیران و رعایت مقررات مربوط به فروش اموال دولتی می‌باشد.

مطابق با ماده ۱۱۵ این قانون، فروش اموال غیرمنقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که مازاد بر نیاز تشخیص داده می‌شود به استثناء اموال غیرمنقول مشروحه زیر:

- ۱ - اموال غیرمنقولی که از نفایس ملی باشد.
 - ۲ - تأسیسات و استحکامات نظامی و کارخانجات اسلحه و مهمات‌سازی.
 - ۳ - آثار و بناهای تاریخی.
 - ۴ - اموال غیرمنقول که در رابطه با مصالح و منافع ملی در تصرف دولت باشد که فروش آن‌ها ممنوع می‌باشد بنا به پیشنهاد وزیر مربوطه با تصویب هیأت وزیران و با رعایت سایر مقررات مربوط مجاز می‌باشد وجوه حاصل از فروش این قبیل اموال باید به حساب درآمد عمومی کشور واریز شود.
- همچنین مطابق با تبصره ۲ این ماده قانونی، فروش اموال غیرمنقول شرکت‌های دولتی به‌جز اموال غیرمنقول مستثنی شده در این ماده با تصویب مجمع عمومی آن‌ها مجاز می‌باشد.

در مواد بعدی این فصل نیز ضوابط انتقال اموال از سازمانی به سازمان دولتی دیگر بیان گردیده البته در ماده ۱۲۱ اموال شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی را از این مقررات مستثنی نموده است.

آیین‌نامه اجرایی فصل پنجم در مورخه ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ به تصویب هیأت وزیران رسیده و با عنوان آیین‌نامه اموال دولتی اجرایی گردیده است.

۲- قانون وصول برخی از درآمدهای دولت ۱۳۷۳/۱۲/۲۸

در ماده ۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، شرایطی برای فروش اموال غیرمنقول توسط دستگاه‌های دولتی بیان شده است. طبق بند الف و ب این ماده قانونی، اجازه داده می‌شود:

الف - وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، ساختمان‌های قدیمی و غیر قابل استفاده خود را به فروش رسانده و وجوه حاصل را به درآمد عمومی کشور واریز نمایند. با رعایت مقررات به معادل صد درصد مبالغ واریزی فوق از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال منظور حسب مورد در اختیار وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مربوط قرار خواهد گرفت تا جهت احداث ساختمان‌های مناسب برای ادارات خود هزینه نمایند.

ب - وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اراضی و مستغلات خود را که از لحاظ محل استقرار یا به دلایل دیگر برای بهره‌برداری مناسب نمی‌باشند با کسب مجوز از هیأت وزیران و رعایت مقررات مربوط به فروش رسانده و...

۳- آیین‌نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۳۴/۰۲/۰۱ مجلس شورای ملی

این آیین‌نامه که یکی از منابع پایه و اصلی در کلیه معاملات دولتی به شمار می‌رود در فصل پنجم در مواد ۳۲ تا ۳۷ که مربوط به مزایده می‌باشد شیوه‌های فروش اموال دولتی را مشخص نموده است. در ماده ۳۵ بیان شده است: فروش و اجاره دادن املاک و مستغلات و قنوت دولتی به هر مبلغ که باشد با انتشار آگهی مزایده و رعایت تشریفات که در این آیین‌نامه پیش‌بینی شده انجام می‌شود مگر آن که قوانین خاصی برای این‌گونه معاملات مقرر شده باشد.

۴- قانون تنظیم بخشی از روابط مالی دولت مصوب ۱۳۸۰

در این قانون نیز ضوابطی را جهت نحوه انتقال اموال دولتی بیان نموده است که مهم‌ترین آن ماده ۸۹ می‌باشد که مطابق آن «به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اجازه داده می‌شود پروژه‌های تملک دارائی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام و خاتمه یافته غیر موردنیاز و مصالح و تجهیزات مازاد طرح‌های خاتمه یافته را پس از تأیید سازمان مدیریت و از طریق مزایده به‌طور نقد برنامه‌ریزی کشور و با رعایت مقررات مربوط، یا اقساط طبق قوانین و مقررات مربوطه به فروش رسانده و وجوه حاصل را به درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نمایند. این حکم شامل شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی نیز می‌شود.»

منابع

۱. ابوالقاسمی، ناصر و سید رسول حسنی، ۱۳۷۱، آثار پیری و فرسودگی اجزاء شبکه‌های توزیع و فوق توزیع نیرو، دومین کنفرانس سراسری شبکه‌های توزیع نیروی برق، اصفهان، شرکت برق منطقه‌ای اصفهان
۲. بررسی وضع موجود، چالش‌ها و راهبردهای صنعت برق ایران در سال جهش تولید و انتظارات از مجلس شورای اسلامی، سندیکای صنعت برق ایران